

سازمان برنامه و بودجه کشور
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان
معاونت آمار و اطلاعات

بررسی وضعیت سواد و تحصیلات عالی کشور و استان گیلان

۱۳۸۵-۹۵



هسته مطالعات
نویسنده: نوربخش رحمتی
شهریور ۱۳۹۸

رحمتی، نوربخش

بررسی وضعیت سواد و تحصیلات عالی کشور و استان گیلان ۹۵-۱۳۸۵ / تهیه و تنظیم:
نوربخش رحمتی. - رشت: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۸.

۲۶ صفحه: جدول، نمودار.

۱. سواد آموزی- گیلان(استان). ۲. بیسوادی- گیلان(استان)- آمار. ۳. بیسوادی- گیلان

(استان). ۴. گیلان(استان) - جمعیت- آمار. الف. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان.

ب. عنوان.

LC ۱۵۷/ گ ۹/۳

عنوان: بررسی وضعیت سواد و تحصیلات عالی کشور و استان گیلان ۹۵-۱۳۸۵

مدیریت و نظارت: وحید طیفوری

تهیه و تدوین: نوربخش رحمتی

حروفچینی: نوربخش رحمتی

تهیه شده در: معاونت آمار و اطلاعات

تاریخ انتشار: شهریور ۱۳۹۸

شماره نشریه: ۶۵۵

شمارگان: محدود

ناشر: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان.

<http://sdi.mpoql.ir/>

نقل قول از مطالب این نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| ۴ | مقدمه..... |
| ۱۰ | فصل ۱- تحلیل وضعیت سواد و تحولات آن در کشور و استان گیلان: ۱۳۸۵-۹۵..... |
| ۶ | ۱-۱- بررسی تغییرات نسبت باسوادی کشور و استان گیلان: ۱۳۸۵-۹۵..... |
| ۸ | ۱-۲- بررسی سهم جمعیت ۶ ساله و بیش تر، باسواد و بی سواد استان گیلان از کل کشور: ۱۳۸۵-۹۵..... |
| ۹ | ۱-۳- بررسی روند توزیع جمعیت باسواد بر اساس سطوح تحصیلی و تغییرات آن در کشور و استان گیلان: ۱۳۸۵-۹۵..... |
| ۱۳ | فصل ۲- تحلیل برخی شاخص های اجتماعی و اقتصادی جمعیت دارای تحصیلات عالی در کشور و استان گیلان: ۱۳۸۵-۹۵..... |
| ۱۴ | ۲-۱- بررسی روند توزیع نسبی جمعیت دارای تحصیلات عالی بر حسب فعالیت و تغییرات آن در کشور و استان گیلان: ۱۳۸۵-۹۵..... |
| ۱۶ | ۲-۲- بررسی وضع زناشویی جمعیت دارای تحصیلات عالی کشور و استان گیلان طی سال های ۱۳۸۵-۹۵..... |
| ۱۹ | ۳- نتیجه گیری..... |
| ۲۳ | ۴- منابع..... |
| ۲۴ | ۵- پیوست..... |

فهرست شکل ها

| | |
|----|---|
| ۷ | شکل ۱-۱- نسبت باسوادی کشور و استان گیلان بر حسب وضع سکونت: ۱۳۸۵-۹۰-۹۵..... |
| ۸ | شکل ۱-۲- تغییرات نسبت باسوادی کشور و استان گیلان بر حسب وضع سکونت: ۱۳۸۵-۹۰-۹۵..... |
| ۸ | شکل ۱-۳- سهم جمعیت بیسواد استان گیلان از کشور: ۱۳۸۵-۹۵..... |
| ۸ | شکل ۱-۴- سهم جمعیت باسواد استان گیلان از کشور: ۱۳۸۵-۹۵..... |
| ۹ | شکل ۱-۵- سهم جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان گیلان از کشور: ۱۳۸۵-۹۵..... |
| ۱۱ | شکل ۱-۶- روند توزیع جمعیت باسواد کشور و استان گیلان بر حسب سطوح تحصیلی: ۱۳۸۵-۹۰-۹۵..... |
| ۱۲ | شکل ۱-۷- درصد تغییرات سهم سطوح تحصیلی افراد باسواد کشور و استان گیلان: ۱۳۹۰-۹۵، ۱۳۸۵-۹۰..... |
| ۱۵ | شکل ۲-۱- توزیع نسبی جمعیت دارای تحصیلات عالی کشور و استان گیلان بر حسب وضع فعالیت: ۱۳۸۵-۹۰-۹۵..... |
| ۱۶ | شکل ۲-۲- درصد تغییرات جمعیت دارای تحصیلات عالی کشور و استان گیلان بر حسب وضع فعالیت: ۱۳۸۵-۹۰-۹۵..... |
| ۱۸ | شکل ۲-۳- وضعیت زناشویی جمعیت ده ساله و بیش تر دارای تحصیلات عالی کشور و استان گیلان به تفکیک جنس: ۱۳۸۵-۹۰-۹۵..... |

فهرست جدول ها

| | |
|----|---|
| ۱۷ | جدول ۲-۱- وضعیت زناشویی جمعیت ده ساله و بیشتر دارای تحصیلات عالی کشور و استان به تفکیک جنس: ۱۳۸۵-۹۰-۹۵..... |
|----|---|

مقدمه

در عصر حاضر ارتقای سواد و اطلاعات افراد جامعه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه جوامع مطرح است. بهبود متوازن، کمی و کیفی شاخص‌های سواد و تحصیلات به‌عنوان یکی از اجزای اصلی شاخص توسعه انسانی (HDI)^۱، منجر به تسریع در فرآیند توسعه و کاهش چالش‌های منطقه‌ای مربوط به آن خواهد شد. از طرف دیگر برابری فرصت‌های آموزشی برای همگان نه تنها به افزایش درآمد سرانه و رشد اقتصادی منجر می‌شود بلکه زمینه‌ساز بهبود توزیع درآمد نیز می‌گردد. بررسی روند تغییرات باسوادی، ساختار و ویژگی‌های جمعیت باسواد و دارای تحصیلات عالی^۲ که بیانگر چگونگی پیشرفت و توسعه نیروی انسانی در آن جامعه است برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی از شاخص‌های مهم در این زمینه نسبت باسوادی است، که تأثیر قابل توجهی بر متغیرهایی همچون اشتغال، کسب درآمد و رشد جمعیت در جوامع گوناگون داشته است.

از این‌رو با توجه به اهمیت بررسی دقیق وضعیت سواد، جهت استفاده در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها از یک سو و نیز گستردگی مطالب از سوی دیگر تلاش شده است مطالب در دو بخش ارائه شود. در فصل اول ویژگی‌ها و روند تغییرات جمعیت باسواد در کشور و استان گیلان بر حسب نقاط شهری و روستایی^۳ طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ بررسی شده است. بخش دوم به بررسی ویژگی‌ها و برخی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی جمعیت دارای تحصیلات عالی کشور و استان گیلان طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ می‌پردازد. بخش پیوست نیز به تعاریف، مفاهیم و شاخص‌های بکار رفته در این نشریه اختصاص دارد.

^۱ Human Development Index

^۲ منظور از افراد دارای تحصیلات عالی، کلیه دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی است. همچنین افراد با تحصیلات حوزوی در سطوح یک، دو، سه علوم دینی و دوره اول و دوم خارج نیز در گروه افراد با تحصیلات عالی قرار دارند.

^۳ جمع‌آوری اطلاعات سرشماری بر حسب وضع سکونت شامل جمعیت ساکن و غیر ساکن است با توجه به اینکه حجم گروه غیر ساکن در کل جمعیت کم و همچنین بیشتر جمعیت غیر ساکن را جمعیت عشایر و کوچ رو تشکیل می‌دهند که از لحاظ ویژگی‌های جمعیتی به جمعیت روستایی نزدیک است لذا جمعیت غیر ساکن نیز در جمعیت روستایی در نظر گرفته شده است.

فصل ۱

تحلیل وضعیت سواد و تحولات آن در کشور و استان گیلان

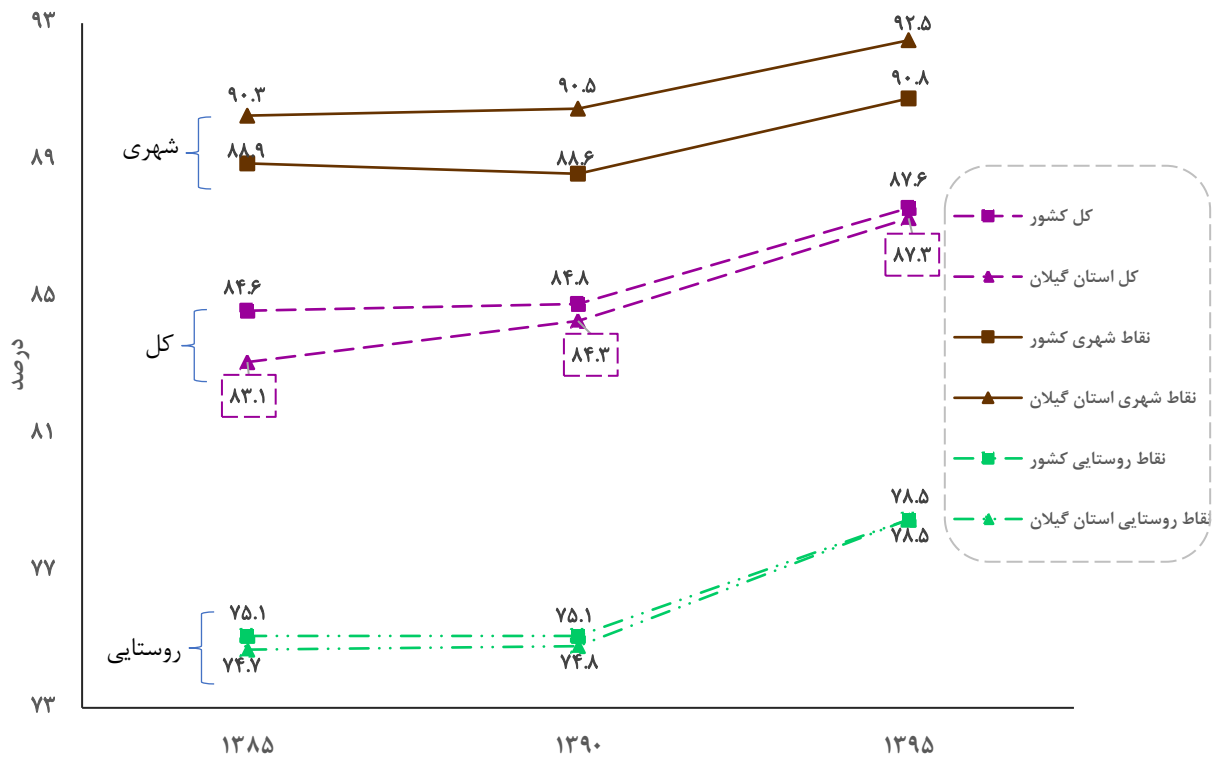
۱۳۸۵-۹۵

۱-۱- بررسی تغییرات نسبت باسوادی کشور و استان گیلان ۹۵-۱۳۸۵

وضع سواد در بین افراد جامعه یکی از معیارهای مهم در تعیین میزان توسعه‌یافتگی کشورها محسوب می‌شود. بررسی این شاخص در سال‌های بعد از انقلاب حاکی از روند افزایشی آن و توجه به مسئله آموزش عمومی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های کشور است. شکل ۱-۱ نشان می‌دهد اختلاف نسبت باسوادی کشور و استان طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ روندی کاهشی داشته است. بر این اساس نسبت باسوادی کشور و استان در سال ۱۳۸۵ به ترتیب برابر ۸۴/۶ و ۸۳/۱ درصد بوده است. این شاخص در سال ۱۳۹۰ به ترتیب به ۸۴/۸ و ۸۴/۳ درصد رسیده است و در سال ۱۳۹۵ به ترتیب به ۸۷/۶ و ۸۷/۳ درصد افزایش یافته است. یکی از مواردی که می‌تواند نشان‌دهنده نابرابری در مسئله آموزش در بین جوامع باشد تفاوت نسبت باسوادی است. هر چقدر این نابرابری و همچنین نرخ بی‌سوادی به صفر نزدیک شود بیانگر عدالت بیشتر در امر آموزش است. بر اساس شکل ۱-۱ اختلاف نسبت باسوادی کشور و استان از ۱/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۰/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است که نشان از کاهش نابرابری در این زمینه دارد.

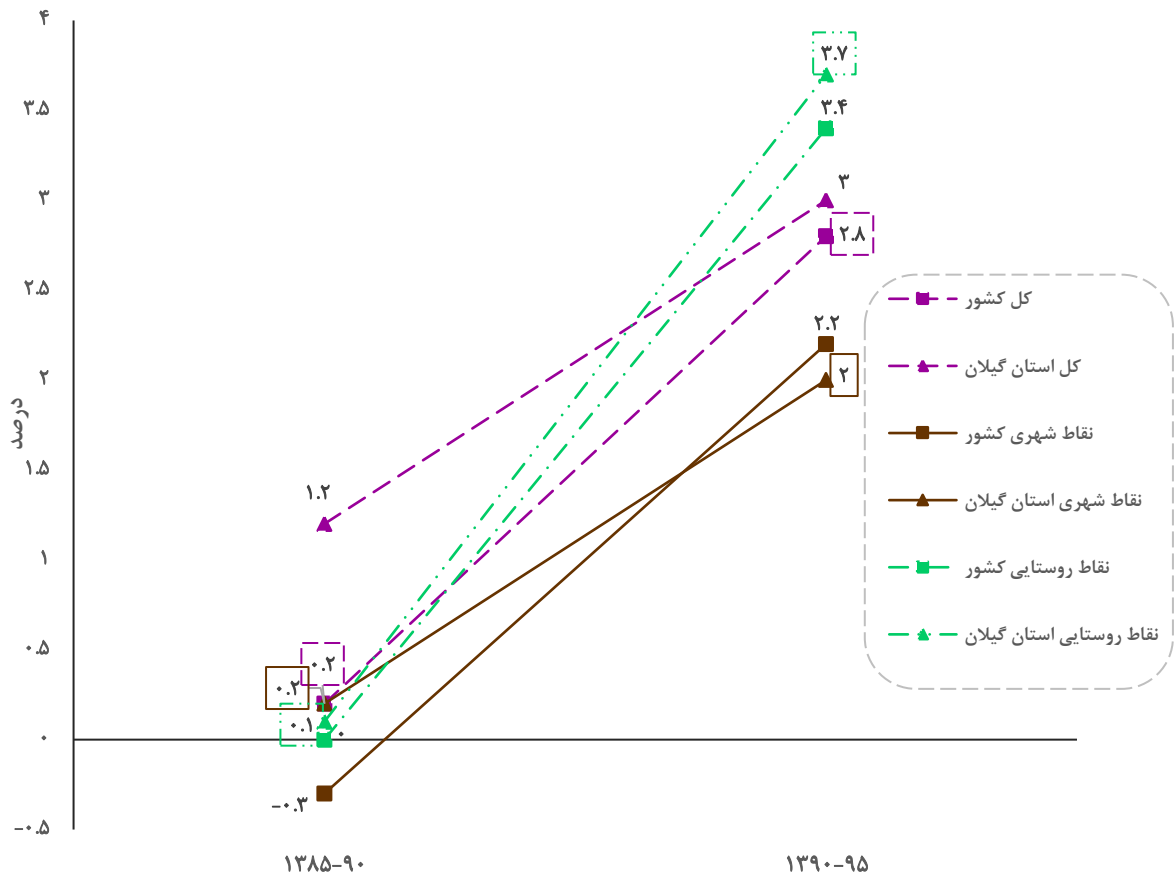
نسبت باسوادی کشور و استان در نقاط شهری و روستایی نیز روندی صعودی داشته است. همان‌گونه که در شکل ۱-۱ مشاهده می‌گردد نسبت باسوادی نقاط شهری استان در ادوار گذشته همواره از متوسط کشور بالاتر بوده است. طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ نسبت باسوادی کشور از ۸۸/۹ درصد به ۸۸/۶ درصد کاهش یافته است. اما نسبت باسوادی استان از متوسط کشور بالاتر بوده و از ۹۰/۳ درصد به ۹۰/۵ درصد افزایش یافته است. در دوره ۹۵-۱۳۸۵ نسبت باسوادی کشور و استان افزایش یافته و به ترتیب در کشور و استان از ۸۸/۶ و ۹۰/۵ درصد به ۹۰/۸ و ۹۲/۵ درصد رسیده است. سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ این شاخص در نقاط شهری کشور و استان به ترتیب به ۹۰/۸ و ۹۲/۵ درصد رسید. هر چند طی ادوار گذشته شکاف بین مناطق شهری و روستایی در زمینه آموزش کاهش یافته است اما همچنان تفاوت‌های زیادی در وضعیت باسوادی نقاط شهری و روستایی شاهد هستیم.

نسبت باسوادی نقاط روستایی استان و کشور طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ همگرا بوده دارد و این مسئله در کاهش اختلاف نسبت باسوادی کشور و استان اثر بخش بوده است. همان‌طور که در شکل ۱-۱ مشاهده می‌شود نسبت باسوادی نقاط روستایی کشور و استان در سال ۱۳۸۵ به ترتیب برابر ۷۵/۱ و ۷۴/۷ درصد بوده است. این میزان به ترتیب به ۷۵/۱ و ۷۴/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ رسید و در سرشماری بعدی این میزان با صفر شدن نابرابری همراه بوده و نسبت باسوادی نقاط روستایی استان و کشور به ۷۸/۵ درصد رسید.



شکل ۱-۱- نسبت باسوادی کشور و استان گیلان بر حسب وضع سکونت: ۹۵-۹۰-۱۳۸۵

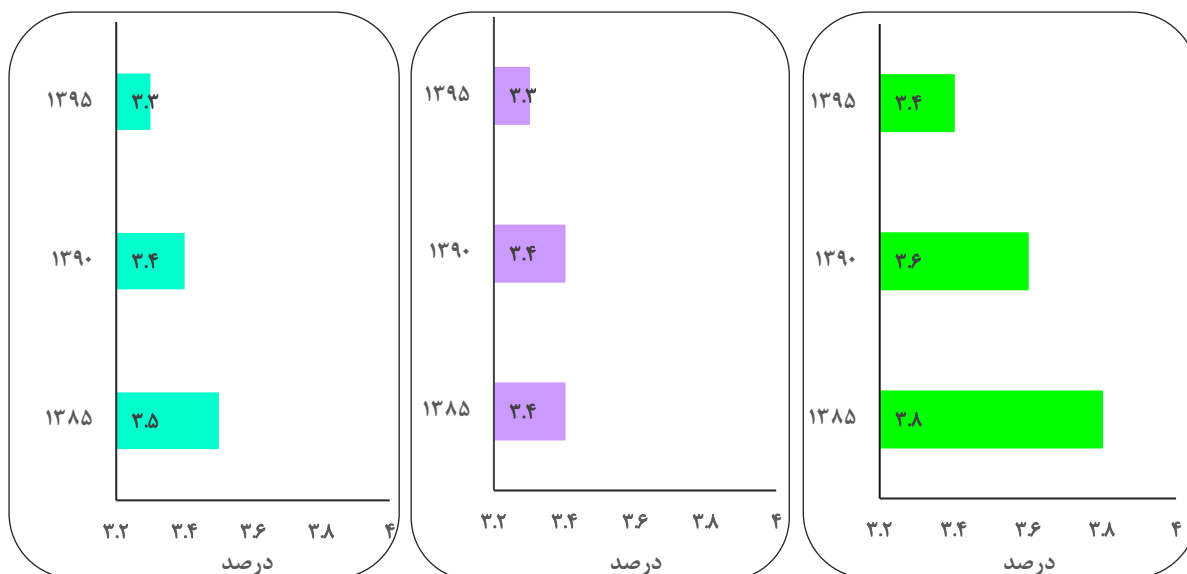
همان طور که در شکل ۱-۲ ملاحظه می‌گردد بررسی روند تغییرات نسبت باسوادی کشور و استان طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ و ۱۳۹۰-۹۵، دو دوره متفاوت را نشان می‌دهد به نحوی که در دوره اول رشد نسبت باسوادی کل استان گیلان نسبت به دوره دوم پایین‌تر ولی نسبت به رشد نسبت باسوادی دوره اول کشور ۱ درصد بیش‌تر بوده است. در دوره دوم میزان رشد باسوادی کل استان گیلان نسبت به دوره اول بیش از دو برابر شده است. بر این اساس نسبت باسوادی کشور و استان طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ به ترتیب ۰/۲ و ۱/۲ درصد رشد داشته است اما این شاخص طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ به ترتیب ۲/۸ و ۳ درصد رشد کرده است. نسبت باسوادی نقاط شهری کشور و استان در دوره اول یعنی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به ترتیب با ۰/۳- و ۰/۲ درصد رشد همراه بوده است اما در دوره دوم یعنی از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۵ این رشد به ترتیب معادل ۲/۲ و ۲ درصد بوده است. نسبت باسوادی نقاط روستایی کشور و استان نیز وضعیت تقریباً مشابهی داشته‌اند به طوری که در دوره اول این شاخص به ترتیب ۰ و ۰/۱ درصد رشد داشته است و در دوره دوم یعنی طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ این شاخص به ترتیب رشدی معادل ۳/۴ و ۳/۷ درصد داشته است. به نظر می‌رسد در دوره پنج ساله دوم (۹۵-۱۳۹۰) اقدامات مثبت و مؤثری نسبت به دوره پنج ساله اول در زمینه افزایش نسبت باسوادی صورت گرفته است. نکته دیگری که حائز اهمیت است رشد بیش‌تر نسبت باسوادی نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری در کشور و استان طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ است به طوری که طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ این رشد تقریباً نزدیک و در مقایسه با دوره پنج سال بعدی (۹۵-۱۳۹۰) بسیار کمتر بوده است.



شکل ۱-۲- تغییرات نسبت باسوادی کشور و استان گیلان بر حسب وضع سکونت: ۹۵-۱۳۸۵-۹۰-۱۳۸۵

۲-۱- بررسی سهم جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر، باسواد و بی‌سواد استان گیلان از کل کشور ۹۵-۱۳۸۵

بر اساس شکل ۱-۳ سهم جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر استان از کل جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر کشور از ۳/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۳/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۳/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. همان‌طور که در شکل ۴-۱ مشاهده می‌گردد طی سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۰ سهم جمعیت باسواد استان از جمعیت باسواد کشور به ترتیب ۳/۴، ۳/۴ و ۳/۳ درصد بوده است. طی سه دوره سرشماری اخیر، سهم استان گیلان از جمعیت بی‌سوادان کشور نیز به ترتیب ۳/۸، ۳/۶ و ۳/۴ بوده است (شکل ۵-۲). بر همین اساس در دوره اول یعنی از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰، سهم جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر، جمعیت باسواد و جمعیت بی‌سواد به ترتیب ۰/۱، ۰ و ۰/۲ درصد کاهش داشته است و در دوره دوم یعنی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نیز تقریباً وضعیت مشابهی را شاهد هستیم. همچنین در دوره دوم سهم جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر، جمعیت باسواد و جمعیت بی‌سواد به ترتیب ۰/۱، ۰/۱ و ۰/۲ درصد کاهش داشته است. علی‌رغم اینکه طی هر دو دوره با کاهش سهم جمعیت ۶ ساله و بالاتر و جمعیت باسواد مواجه هستیم اما نکته حائز اهمیت، بیش‌تر بودن قدر مطلق میزان کاهش سهم بی‌سواد از قدر مطلق میزان کاهش جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر و جمعیت باسواد طی هر دو دوره بوده است.



شکل ۱-۵- سهم جمعیت بی‌سواد استان گیلان از کشور: ۹۵-۱۳۸۵ شکل ۱-۴- سهم جمعیت باسواد استان گیلان از کشور: ۹۵-۱۳۸۵ شکل ۱-۳- سهم جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر استان گیلان از کشور: ۹۵-۱۳۸۵

۳-۱- بررسی روند توزیع جمعیت باسواد بر اساس سطوح تحصیلی و تغییرات آن در کشور و استان گیلان

۹۵-۱۳۸۵

روند توزیع جمعیت طی دهه اخیر نشان می‌دهد سهم جمعیت باسواد دوره تحصیلی ابتدایی و دوره تحصیلی عالی کشور نسبت به استان همواره بیش‌تر بوده است در حالی که سهم باسوادان دوره تحصیلی راهنمایی و متوسطه اول و دوره تحصیلی متوسطه دوم کشور نسبت به استان طی این مدت همواره کمتر بوده است. در شکل ۱-۶ مشاهده می‌شود سهم باسوادان دوره تحصیلی ابتدایی از جمعیت باسواد کشور و استان در سال ۱۳۸۵ به ترتیب برابر $30/4$ و $27/9$ درصد بوده است. این سهم در سال ۱۳۹۰ با کاهش مواجه بوده است و در کشور و استان به ترتیب به $27/9$ و 25 درصد تقلیل یافته است. علی‌رغم اینکه طی سال‌های ۱۳۹۰-۹۵ سهم این گروه در کشور افزایش داشته است اما در استان گیلان با کاهش مواجه بوده است.

بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ سهم باسوادان این دوره در کشور و استان به ترتیب به $29/1$ و $24/9$ درصد رسید. طی دهه اخیر تفاوت سهم باسوادان دوره ابتدایی در کشور و استان در حال افزایش است به طوری که قدم‌مطلق تفاضل سهم این گروه در کشور و استان از $2/5$ درصد در سال ۱۳۸۵ به $4/2$ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

همان‌طور که در شکل ۱-۶ مشاهده می‌گردد طی دهه اخیر سهم باسوادان دوره تحصیلی راهنمایی کشور و استان از کل باسوادان نسبت به دوره تحصیلی ابتدایی کمتر بوده و روندی کاهشی داشته است. سهم باسوادان دوره راهنمایی کشور و استان به ترتیب از $23/1$ و $24/6$ در سال ۱۳۸۵ به $21/5$ و $23/1$ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ سهم این گروه در کشور و استان به ترتیب به $18/1$ و $19/9$ درصد کاهش یافته است. طی این مدت تفاوت سهم باسوادان دوره راهنمایی کشور

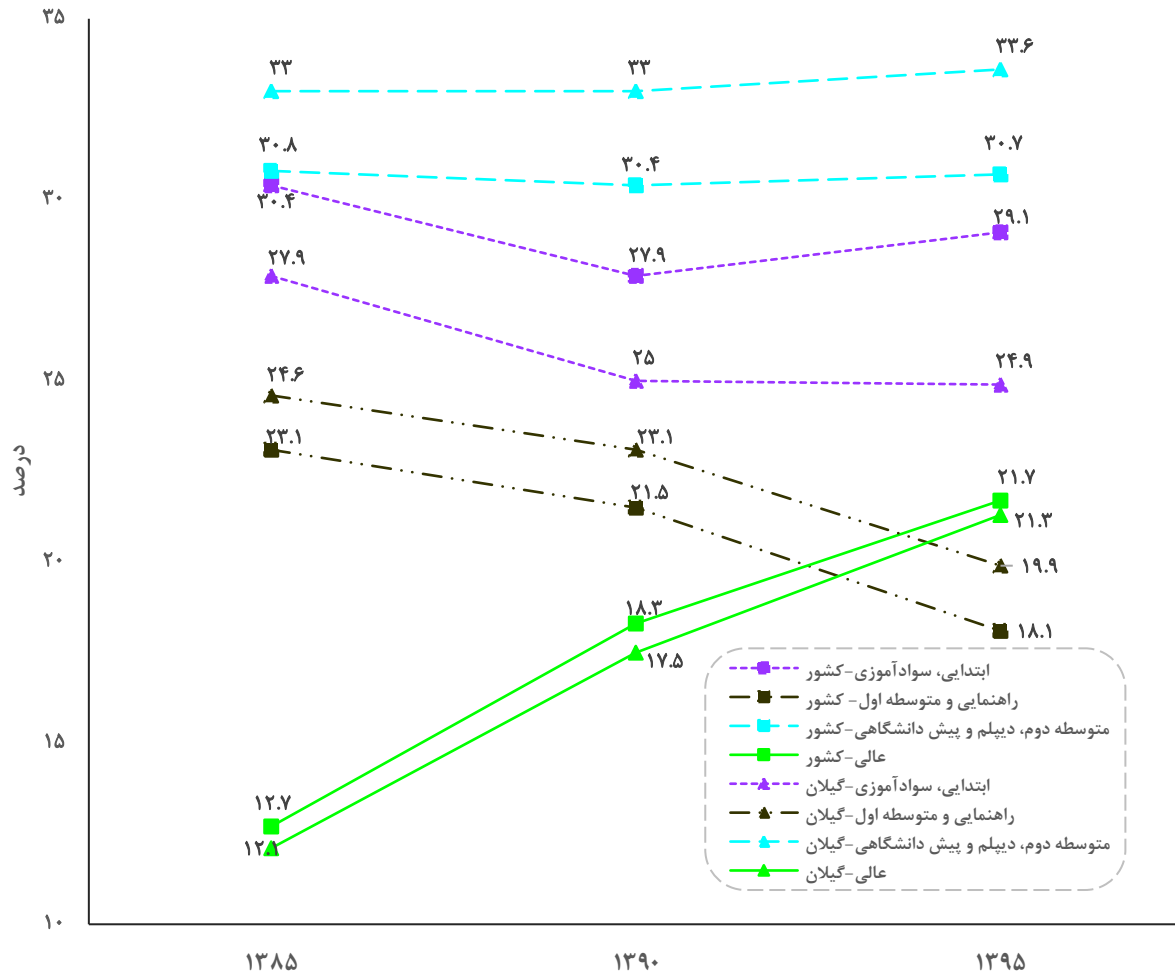
و استان در حال افزایش بوده است به طوری که قدر مطلق تفاضل سهم این گروه در استان با متوسط کشور از ۱/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱/۸ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

بیشترین سهم باسوادان کشور و استان طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ به گروه متوسطه دوم، دیپلم و پیش‌دانشگاهی اختصاص داشته است. بر اساس شکل ۶-۱ طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵، سهم باسوادان این گروه در استان از متوسط کشور بیش‌تر است. سهم این گروه در کشور و استان گیلان در سال ۱۳۸۵ به ترتیب ۳۰/۸ و ۳۳ درصد بوده که در سال ۱۳۹۰ به ترتیب به ۳۰/۴ و ۳۳ درصد رسیده است. بر پایه نتایج سرشماری ۱۳۹۵، سهم باسوادان این گروه در کشور و استان به ترتیب به ۳۰/۷ و ۳۳/۶ درصد رسیده است.

تفاوت سهم باسوادان این دوره تحصیلی نیز در استان گیلان با کشور روندی افزایشی داشته است به طوری که قدر مطلق تفاضل سهم آن در کشور و استان از ۲/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲/۹ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

طی دهه اخیر سهم باسوادان دوره‌های تحصیلی عالی بیش‌ترین افزایش را تجربه کرده است. سهم باسوادان این دوره تحصیلی طی سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ در کشور به ترتیب معادل ۱۲/۷، ۱۸/۳ و ۲۱/۷ درصد بوده و در استان به ترتیب معادل ۱۲/۱، ۱۷/۵ و ۲۱/۳ درصد بوده است. تفاوت سهم باسوادان این دوره استان با کشور تغییرات زیادی نداشته است. قدر مطلق تفاضل این سهم از ۰/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۰/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافت و مجدداً به ۰/۶ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید.

سهم سایر دوره‌های تحصیلی نامشخص و اظهار نشده نیز طی این مدت روندی کاهشی داشته به طوری که در کشور و استان به ترتیب از ۲/۹ و ۲/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۰/۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده‌اند.

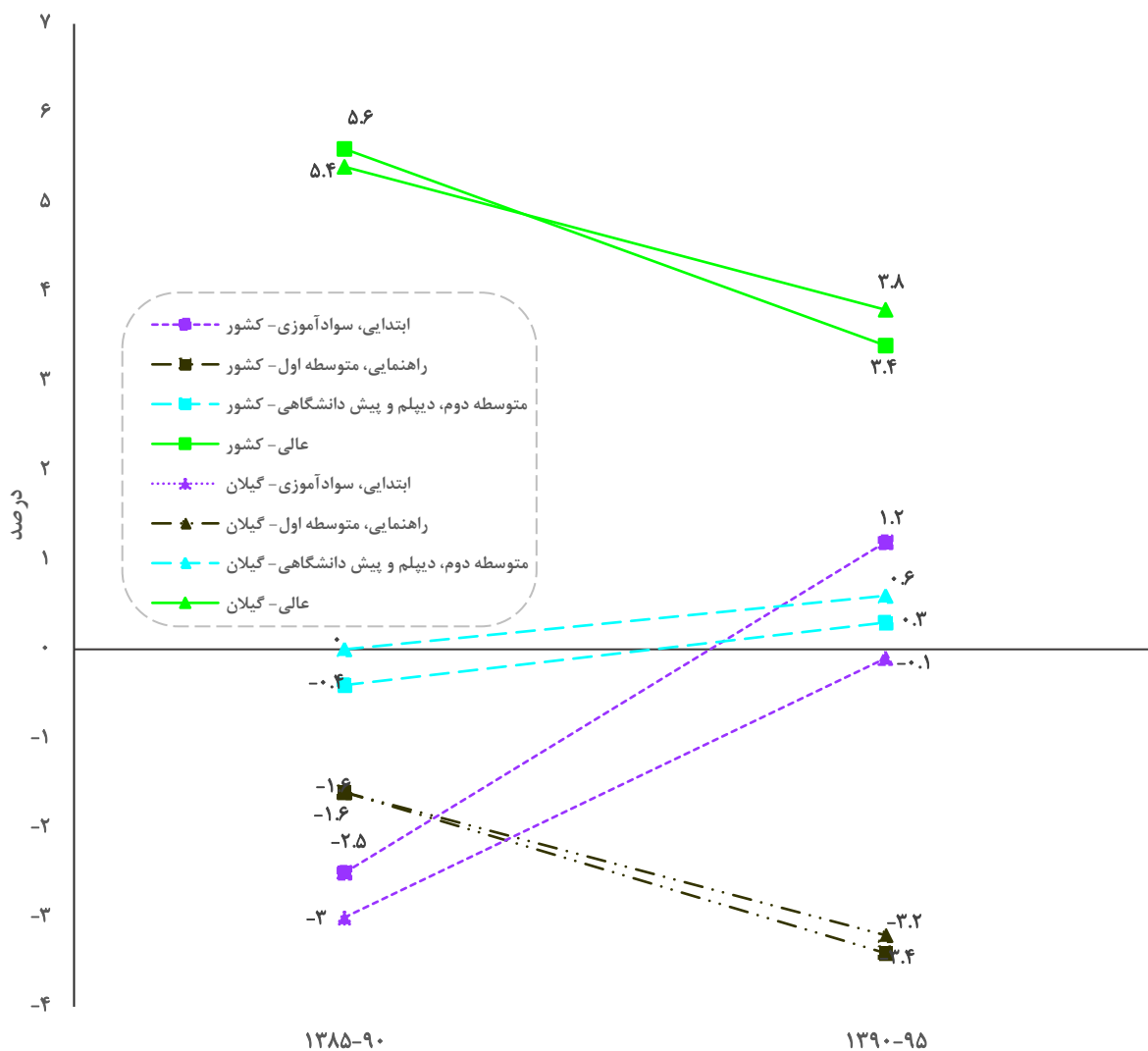


شکل ۶-۱- روند توزیع جمعیت باسواد کشور و استان گیلان بر حسب سطوح تحصیلی: ۹۵-۹۰-۱۳۸۵

تغییرات سهم باسوادان دوره‌های تحصیلی مختلف طی دهه اخیر روند یکسانی نداشته است. همان‌طور که در شکل ۷-۱ مشاهده می‌شود سهم باسوادان دوره تحصیلی ابتدایی طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ در کشور و استان به ترتیب ۲/۵- و ۳- درصد رشد داشته است به طوری که طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ این رشد به ترتیب به ۱/۲ و ۰/۱- درصد رسیده است. سهم باسوادان دوره راهنمایی، متوسطه اول کشور و استان در دوره ۵ ساله اول ۱/۶- درصد رشد داشته است اما در دوره ۵ ساله دوم یعنی از سال ۹۰ تا ۹۵ رشد این سهم به ترتیب معادل ۳/۴- و ۲/۳- درصد بوده است. بر همین اساس از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ سهم باسوادان دوره متوسطه دوم، دیپلم و پیش‌دانشگاهی در کشور و استان به ترتیب ۰/۴- و ۰ درصد رشد است اما طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰، رشد سهم جمعیت باسواد این دوره تحصیلی به ترتیب برابر ۰/۳ و ۰/۶ درصد بوده است.

بر اساس شکل ۷-۱ سهم باسوادان دوره تحصیلی عالی طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ رشد بیش‌تری نسبت به سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ داشته است. بر این اساس سهم باسوادان این دوره تحصیلی در ۵ سال اول در کشور و استان برابر ۵/۶ و ۵/۴ درصد بوده است اما سهم این گروه در ۵ سال دوم برای کشور و استان به ترتیب ۳/۴ و ۳/۸ درصد رشد را نشان می‌دهد. سهم سایر دوره‌های

تحصیلی نامشخص و اظهار نشده کشور و استان به ترتیب در دوره اول ۱/۱- و ۰/۹- درصد و در دوره دوم نیز به ترتیب ۱/۴- و ۱/۲- درصد رشد داشته است.



شکل ۷-۱- درصد تغییرات سهم سطوح تحصیلی افراد باسواد کشور و استان گیلان: ۹۵-۱۳۹۰، ۹۰-۱۳۸۵

فصل ۲

تحلیل شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی جمعیت دارای تحصیلات عالی

کشور و استان گیلان

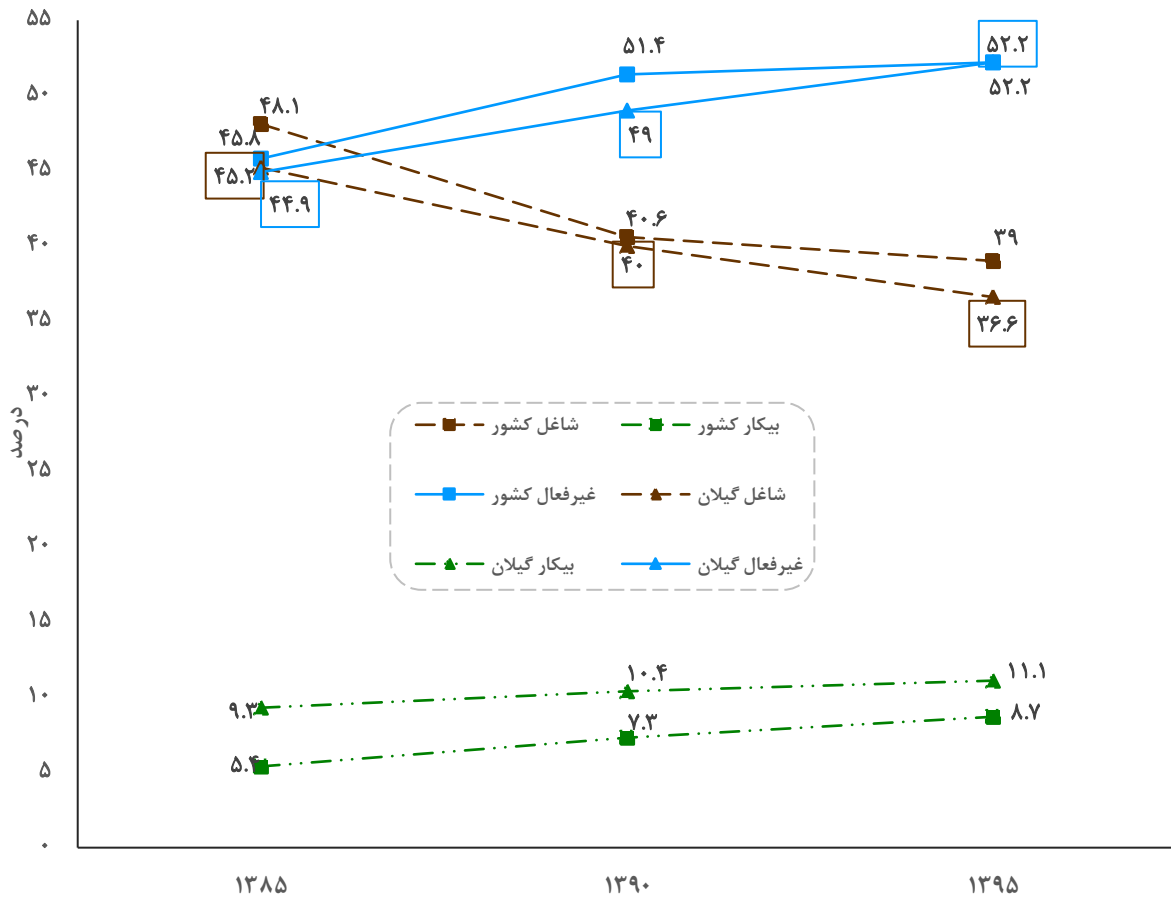
۹۵-۱۳۸۵

۱-۲- بررسی روند توزیع نسبی جمعیت دارای تحصیلات عالی بر حسب فعالیت و تغییرات آن در کشور و استان گیلان ۹۵-۱۳۸۵

بر پایه نتایج سرشماری ۱۳۸۵، از میان جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر دارای تحصیلات عالی بیشترین سهم به جمعیت شاغل اختصاص داشته است. اما در سرشماری‌های بعدی، سهم جمعیت شاغل در رتبه دوم قرار گرفته و سهم جمعیت غیرفعال اقتصادی بیشترین سهم را در بین جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر با تحصیلات عالی از آن خود کرده است.

همان‌طور که در شکل ۱-۲ ملاحظه می‌گردد، سهم جمعیت غیرفعال کشور و استان گیلان به ترتیب از ۴۵/۸ و ۴۴/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۵۱/۴ و ۴۹ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ نیز این افزایش با شیب کمتری رخ داده است و سهم این گروه در کشور و استان به ۵۲/۲ درصد رسیده است. سهم شاغلان دارای تحصیلات عالی که در سال ۱۳۸۵ بیشترین سهم تحصیلکرده‌ها را به خود اختصاص داده بود در دوره‌های بعدی روندی کاهشی را تجربه کرده است. بر این اساس سهم جمعیت شاغل دارای تحصیلات عالی کشور و استان به ترتیب از ۴۸/۱ و ۴۵/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۴۰/۶ و ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ این سهم در کشور و استان به ترتیب به ۳۹ و ۳۶/۶ درصد کاهش یافته است.

طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی و بیکار استان، همواره از کشور بیش تر بوده است اما قدرمطلق تفاضل سهم آن‌ها طی این مدت از ۳/۹ درصد به ۲/۴ درصد کاهش یافته است. طی این مدت سهم این گروه در کشور به ترتیب ۵/۴، ۷/۳ و ۸/۷ درصد و در استان به ترتیب ۹/۳، ۱۰/۴ و ۱۱/۱ درصد بوده است. به علاوه سهم اظهارنشده دارای تحصیلات عالی طی این مدت همواره کمتر از ۱ درصد بوده است و در سال ۱۳۹۵ به ۰/۱ درصد کاهش یافته است.



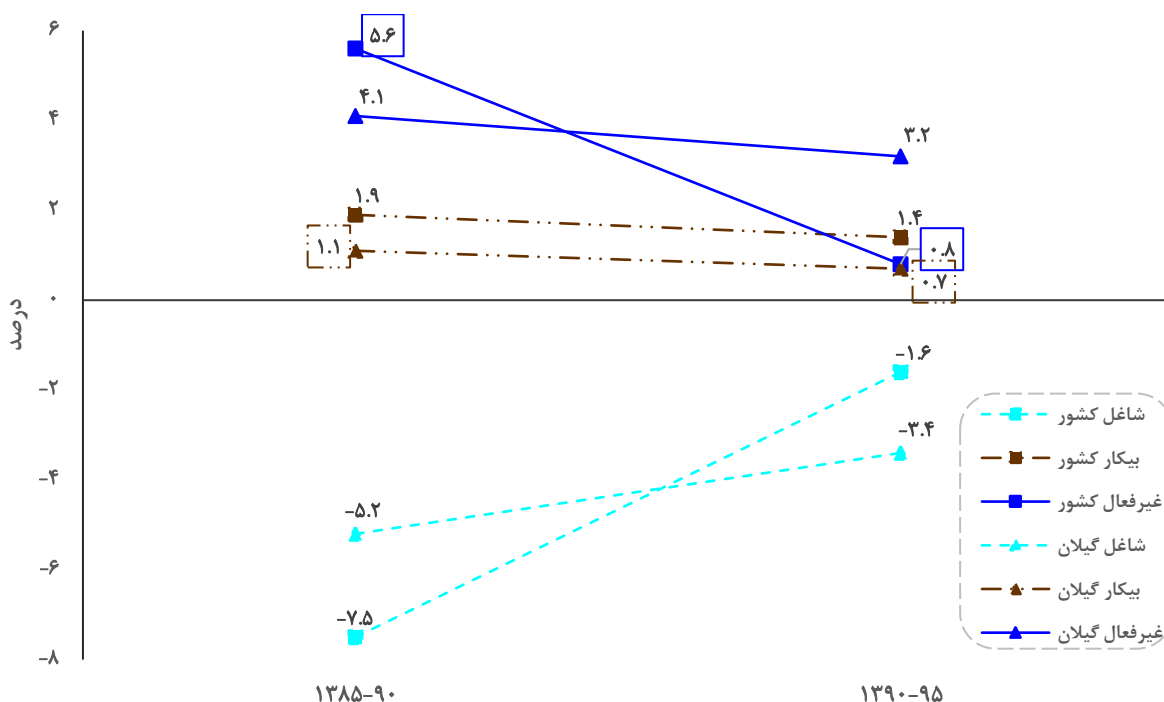
شکل ۱-۲- توزیع نسبی جمعیت دارای تحصیلات عالی کشور و استان گیلان بر حسب وضع فعالیت: ۹۵-۹۰-۱۳۸۵

از سوی دیگر در شکل ۲-۲ ملاحظه می شود سهم جمعیت غیرفعال با تحصیلات عالی کشور و استان طی سال های ۹۰-۱۳۸۵، به ترتیب ۵/۶ و ۴/۱ درصد رشد داشته است اما طی سال های ۹۵-۱۳۹۰ این رشد کاهشی بوده و به ترتیب به ۰/۸ و ۳/۲ درصد رسیده است.

این آمار و اطلاعات بیانگر دو نکته است. نکته اول اینکه شدت رشد جمعیت غیرفعال با تحصیلات عالی در دوره پنج ساله دوم (۹۵-۱۳۹۰) نسبت به دوره پنج ساله اول (۹۰-۱۳۸۵) کاهش یافته است و نکته دوم علی رغم اینکه در دوره اول میزان رشد این شاخص در استان گیلان نسبت به کشور کمتر بوده است اما در دوره دوم میزان این شاخص در استان از کشور بیش تر شده است به طوری که طی سال های ۹۵-۱۳۹۰ میزان این رشد در استان ۴ برابر متوسط کشور بوده است.

سهم جمعیت شاغلان با تحصیلات عالی کشور و استان در دوره ۵ ساله اول به ترتیب ۷/۵- و ۵/۲- درصد رشد داشته است اما در دوره ۵ ساله دوم روند کاهشی آن شیب کمتری داشته است و به ترتیب رشدی معادل ۱/۶- و ۳/۴- درصد را تجربه کرده است که ناشی از کاهش شیب افزایش سهم جمعیت غیرفعال بوده است. همچنین سهم جمعیت بیکار دارای تحصیلات عالی

کشور و استان در دوره ۵ ساله اول به ترتیب ۱/۹ و ۱/۱ درصد رشد داشته است و در دوره ۵ ساله دوم یعنی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ سهم این گروه در کشور و استان به ترتیب رشدی معادل ۱/۴ و ۰/۷ درصد داشته است.



شکل ۲-۲- درصد تغییرات جمعیت دارای تحصیلات عالی کشور و استان گیلان بر حسب وضع فعالیت: ۹۵-۹۰-۱۳۸۵

۲-۲- بررسی وضع زناشویی جمعیت دارای تحصیلات عالی کشور و استان گیلان طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵

طی دهه اخیر اختلاف‌های مربوط به جنسیت در خصوص شاخص‌های وضع زناشویی افراد دارای تحصیلات عالی کاهش یافته است. همان‌گونه که در جدول ۲-۱ مشاهده می‌شود در بین مردان دارای تحصیلات عالی کشور، سهم جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده طی سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۵۷/۱، ۵۵/۹ و ۶۱/۱ درصد بوده است. طی این مدت میزان این سهم در استان به ترتیب ۵۷/۲، ۵۵/۹ و ۵۹/۴ درصد محاسبه شده است. همچنین قدرمطلق تفاضل این سهم در بین مردان کشور و استان طی این مدت به ترتیب ۰/۱، ۰/۰ و ۰/۷ درصد بوده است که بیانگر افزایش فاصله استان با متوسط کشور است. از طرف دیگر در بین زنان دارای تحصیلات عالی کشور، سهم جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده طی سرشماری اخیر به ترتیب ۴۸/۴، ۵۲/۷ و ۶۳/۱ درصد بوده و در استان نیز این سهم به ترتیب ۴۴/۵، ۵۰ و ۵۹/۵ درصد گزارش شده است که این اعداد بیانگر آن است که اختلاف سهم این گروه از تحصیلکرده‌ها در استان و کشور در بین زنان به مراتب نسبت به مردان بیش‌تر است به نحوی که قدرمطلق تفاضل این سهم در کشور و استان به ترتیب ۳/۹، ۲/۷ و ۳/۶ درصد بوده است.

به‌طور کلی آمارها حکایت از افزایش سهم جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده مردان و زنان در کشور و استان در بین جمعیت دارای تحصیلات عالی دارد. که به‌طور عمده می‌تواند ناشی از افزایش سهم افراد دارای تحصیلات عالی در سن ازدواج طی دهه

اخیر باشد. نکته دیگری که حائز اهمیت است کاهش فاصله‌ی سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی حداقل یکبار ازدواج کرده مردان و زنان کشور و استان طی سرشماری‌های اخیر است. بر این اساس قدرمطلق تفاضل سهم مردان و زنان طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ در کشور به ترتیب ۷/۷، ۳/۲ و ۲ درصد و در استان به ترتیب ۱۲/۷، ۵/۹ و ۰/۱ درصد بوده است. بر همین اساس از میان جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده و بیش‌تر، بیش‌ترین سهم به افراد دارای همسر و هرگز ازدواج نکرده اختصاص داشته است. از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۵، سهم مردان بی‌همسر بر اثر فوت با تحصیلات عالی در کشور برابر ۰/۳ درصد و در استان برابر ۰/۴ درصد بوده است. اما در بین زنان این سهم روندی صعودی داشته است. طی این مدت سهم زنان بی‌همسر بر اثر فوت با تحصیلات عالی در کشور به ترتیب ۰/۹، ۱/۱ و ۱/۱ درصد و در استان به ترتیب ۰/۶، ۱ و ۱/۱ درصد بوده است.

همچنین طی مدت مشابه سهم مردان بی‌همسر بر اثر طلاق در کشور به ترتیب ۰/۵، ۰/۶ و ۱/۱ درصد و در استان به ترتیب ۰/۴، ۰/۵ و ۱/۱ درصد بوده است که تقریباً وضعیت مشابهی را نشان می‌دهد. اما در مقابل سهم زنان با تحصیلات عالی و بی‌همسر بر اثر طلاق نسبت به مردان بیش‌تر است به نحوی که این سهم طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ در کشور به ترتیب ۰/۹، ۱/۴ و ۲/۷ درصد و در استان به ترتیب ۰/۶، ۱/۱ و ۲/۵ درصد بوده است. همچنین طی این مدت سهم زنان با تحصیلات عالی و بی‌همسر بر اثر طلاق استان نسبت به متوسط کشور همواره کمتر بوده است.

جدول ۱-۲- وضعیت زناشویی جمعیت ده ساله و بیش‌تر دارای تحصیلات عالی کشور و استان به تفکیک جنس: ۹۵-۹۰-۱۳۸۵ (درصد)

| ۱۳۹۵ | | ۱۳۹۰ | | ۱۳۸۵ | | شرح |
|------|------|------|------|------|------|-------|
| مرد | زن | مرد | زن | مرد | زن | |
| ۶۳.۱ | ۶۱.۱ | ۵۲.۷ | ۵۵.۹ | ۴۸.۴ | ۵۷.۱ | کشور |
| ۵۹.۳ | ۵۹.۷ | ۵۰.۱ | ۵۵ | ۴۶.۵ | ۵۶.۳ | |
| ۱.۱ | ۰.۳ | ۱.۱ | ۰.۳ | ۰.۹ | ۰.۳ | |
| ۲.۷ | ۱.۱ | ۱.۴ | ۰.۶ | ۰.۹ | ۰.۵ | |
| ۳۶.۹ | ۳۸.۸ | ۴۷.۲ | ۴۴ | ۵۰.۶ | ۴۲.۳ | |
| ۰ | ۰ | ۰.۱ | ۰.۱ | ۱ | ۰.۵ | |
| ۵۹.۵ | ۵۹.۴ | ۵۰ | ۵۵.۹ | ۴۴.۵ | ۵۷.۲ | استان |
| ۵۵.۹ | ۵۸ | ۴۷.۸ | ۵۵ | ۴۳.۱ | ۵۶.۴ | |
| ۱.۱ | ۰.۴ | ۱ | ۰.۴ | ۰.۶ | ۰.۴ | |
| ۲.۵ | ۱.۱ | ۱.۱ | ۰.۵ | ۰.۶ | ۰.۴ | |
| ۴۰.۵ | ۴۰.۶ | ۵۰ | ۴۴.۱ | ۵۴.۹ | ۴۲.۵ | |
| ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰.۶ | ۰.۳ | |

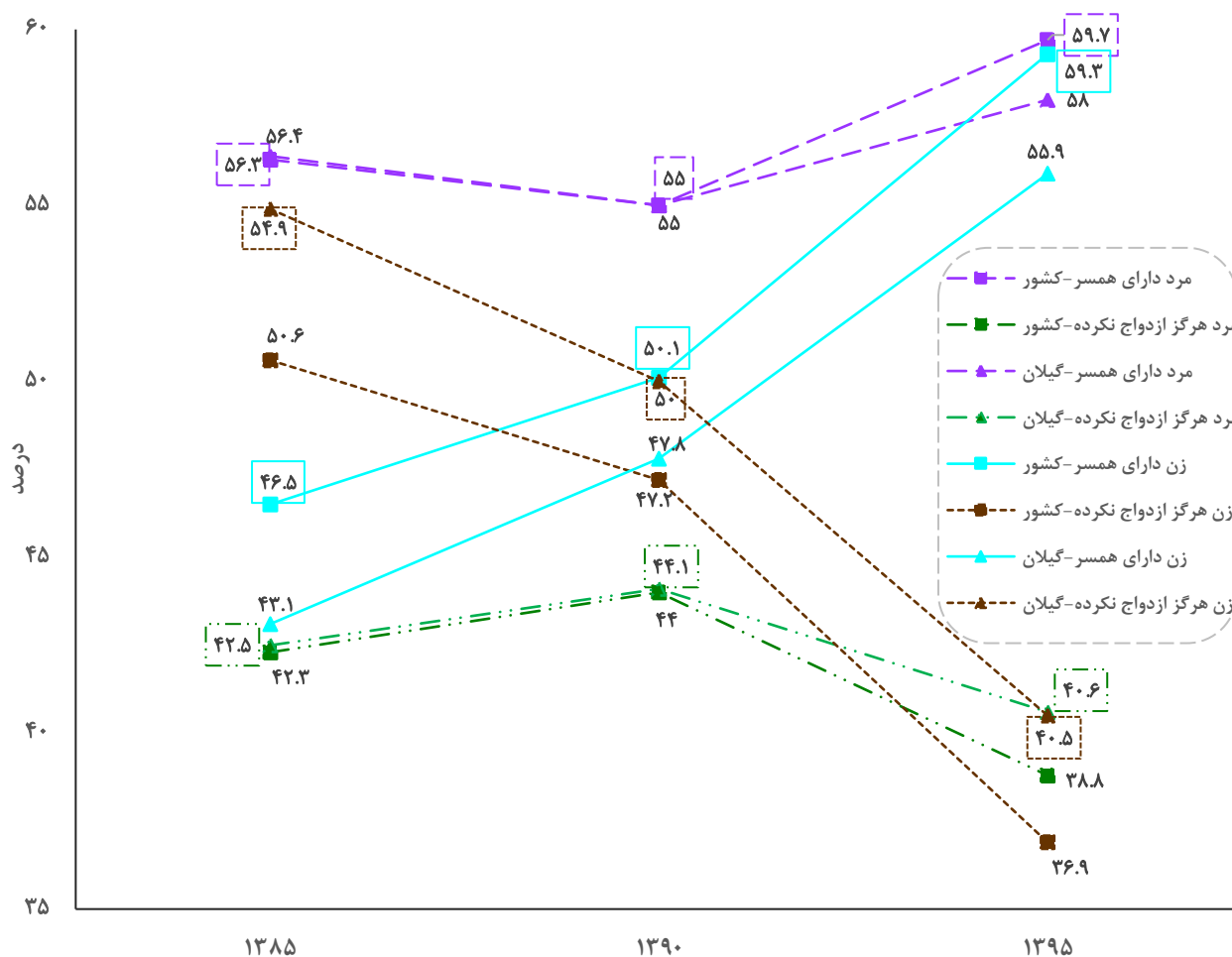
همان‌طور که اشاره شد بیش‌ترین سهم جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده و بیش‌تر به جمعیت دارای همسر و هرگز ازدواج نکرده اختصاص دارد. بر اساس شکل ۳-۲ طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵، سهم جمعیت دارای همسر با تحصیلات عالی کشور و استان در بین مردان نسبت به زنان بیش‌تر بوده است اما طی این مدت سهم زنان در حال افزایش است. طی این مدت سهم جمعیت

مردان دارای همسر با تحصیلات عالی در کشور به ترتیب ۵۶/۳، ۵۵ و ۵۹/۷ درصد و در استان به ترتیب ۵۶/۴، ۵۵ و ۵۸ درصد بوده است.

همچنین در مدت مشابه سهم جمعیت زنان دارای همسر با تحصیلات عالی در کشور به ترتیب ۴۶/۵، ۵۰/۱ و ۵۹/۳ درصد و در استان به ترتیب ۴۳/۱، ۴۷/۸ و ۵۵/۹ درصد بوده است که بیانگر فاصله‌ی سهم زنان دارای همسر با تحصیلات عالی استان نسبت به کشور است در حالی که این فاصله در بین مردان کمتر است هرچند که در حال افزایش است.

سهم مردان و زنان هرگز ازدواج نکرده با تحصیلات عالی در استان نسبت به کشور بیش تر بوده است و همچنین سهم زنان هرگز ازدواج نکرده نسبت به مردان در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ بیش تر بوده اما در سال ۱۳۹۵ سهم زنان ازدواج نکرده از مردان کمتر شده است.

بر این اساس طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ سهم مردان هرگز ازدواج نکرده با تحصیلات عالی در کشور به ترتیب ۴۲/۳، ۴۴ و ۳۸/۸ درصد و در استان به ترتیب ۴۲/۵، ۴۴/۱ و ۴۰/۶ درصد است. همچنین در مدت مشابه سهم زنان هرگز ازدواج نکرده با تحصیلات عالی در کشور به ترتیب ۵۰/۶، ۴۷/۲ و ۳۶/۹ درصد و در استان به ترتیب ۵۴/۹، ۵۰ و ۴۰/۵ درصد بوده است.



شکل ۳-۲- وضعیت زناشویی جمعیت ده ساله و بیش تر دارای تحصیلات عالی کشور و استان گیلان به تفکیک جنس: ۹۵-۹۰-۱۳۸۵

۳. نتیجه‌گیری

۱- یکی از مواردی که می‌تواند نابرابری در امر آموزش را در بین جوامع بیان نماید، تفاوت نسبت باسوادی و عدم توازن در رشد آن است. نسبت باسوادی استان گیلان طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ همواره از متوسط کشور پایین‌تر بوده است اما اختلاف نسبت باسوادی کشور و استان طی این مدت روندی کاهشی داشته و از $\frac{1}{3}$ درصد در سال ۱۳۸۵ به $\frac{0}{3}$ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. این مسئله نشان از کاهش نابرابری این شاخص در استان گیلان در مقایسه با متوسط کشور دارد.

۲- هر چند طی ادوار گذشته شکاف بین مناطق شهری و روستایی در زمینه آموزش کاهش یافته است اما همچنان در زمینه باسوادی، تفاوت‌های زیادی را در نقاط شهری و روستایی شاهد هستیم به طوری که میزان اختلاف نسبت باسوادی نقاط شهری و روستایی در کشور از $\frac{13}{8}$ درصد در سال ۱۳۸۵ به $\frac{12}{3}$ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. در حالی که طی این مدت، تفاوت نسبت باسوادی نقاط شهری و روستایی استان از متوسط کشور بالاتر بوده است و از $\frac{15}{2}$ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. همچنین نسبت باسوادی نقاط شهری استان در ادوار گذشته همواره از متوسط کشور بالاتر بوده اما در نقاط روستایی، نسبت باسوادی استان هیچ‌گاه از متوسط کشور بیش‌تر نبوده است.

۳- بررسی روند تغییرات نسبت باسوادی کشور و استان طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ دو دوره متفاوت را نشان می‌دهد. نسبت باسوادی نقاط شهری کشور و استان در دوره اول یعنی از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ به ترتیب با $\frac{0}{3}$ و $\frac{0}{2}$ درصد رشد همراه بوده است اما در دوره دوم یعنی از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۵ این رشد به ترتیب به $\frac{2}{2}$ و ۲ درصد رسیده است. نسبت باسوادی نقاط روستایی کشور و استان نیز وضعیت تقریباً مشابهی داشته‌اند به طوری که در دوره اول این شاخص به ترتیب ۰ و $\frac{0}{1}$ درصد رشد داشته است و در دوره دوم یعنی طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ این شاخص به ترتیب رشدی معادل $\frac{3}{4}$ و $\frac{3}{7}$ درصد داشته است. به نظر می‌رسد در دوره پنج ساله دوم (۹۵-۱۳۹۰) اقدامات مثبت و مؤثرتری نسبت به دوره پنج ساله اول در زمینه افزایش نسبت باسوادی صورت گرفته است.

۴- علی‌رغم اینکه طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ با کاهش سهم جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر، باسواد و بی‌سواد مواجه بوده‌ایم اما شدت این کاهش در جمعیت بی‌سواد بیش‌تر بوده است به نحوی که قدرمطلق میزان کاهش سهم بی‌سواد از قدرمطلق میزان کاهش جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر و جمعیت باسواد طی هر دو دوره پنج ساله بیشتر بوده است.

۵- روند توزیع جمعیت طی دهه اخیر نشان می‌دهد سهم جمعیت باسواد دوره تحصیلی ابتدایی و دوره تحصیلی عالی کشور نسبت به استان همواره بیش‌تر بوده است در حالی که سهم باسوادان دوره تحصیلی راهنمایی و متوسطه ۱ و دوره تحصیلی متوسطه ۲ کشور نسبت به استان طی این مدت همواره کمتر بوده است.

- ۶- توزیع جمعیت در دوره‌های مختلف تحصیلی نشان می‌دهد طی دهه اخیر سهم باسوادان دوره عالی در کشور و استان بیش‌ترین افزایش را تجربه کرده است؛ هرچند که شیب این افزایش در دوره پنج ساله دوم کمتر بوده است. در مقابل سهم باسوادان دوره راهنمایی و متوسطه ۱ بیش‌ترین کاهش را داشته است. همچنین سهم باسوادان دوره ابتدایی کشور در دوره پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ کاهش داشته است و در دوره پنج ساله ۹۵-۱۳۹۰ با افزایش مواجه بوده است. در حالی که طی هر دو دوره سهم جمعیت باسوادان دوره ابتدایی استان گیلان کاهش یافته است.
- ۷- طی دهه اخیر تفاوت سهم باسوادان دوره ابتدایی در کشور و استان در حال افزایش است به طوری که قدرمطلق تفاضل سهم این گروه در کشور و استان از ۲/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۴/۲ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. این تفاوت در سهم باسوادان دوره راهنمایی کشور و استان نیز در حال افزایش بوده است به طوری که قدرمطلق تفاضل سهم این گروه در استان با متوسط کشور از ۱/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱/۸ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. اختلاف سهم باسوادان دوره تحصیلی متوسطه ۲ نیز در استان گیلان با کشور افزایش یافته است به طوری که قدرمطلق تفاضل سهم آن در کشور و استان از ۲/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲/۹ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. همچنین تفاوت سهم باسوادان دوره عالی استان با کشور تغییرات زیادی نداشته است. قدرمطلق تفاضل این سهم از ۰/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۰/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافت و مجدداً به ۰/۶ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید.
- ۸- سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی استان از کشور کمتر است. سهم جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی کشور از ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۸/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۲۱/۷ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید. طی این مدت سهم این گروه در استان گیلان از ۱۲/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۷/۵ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۲۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید.
- ۹- بر پایه نتایج سرشماری ۱۳۸۵، بیش‌ترین سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی ۱۰ ساله و بیش‌تر کشور و استان به شاغلان اختصاص داشته است در حالی که در دو سرشماری بعدی بیش‌ترین سهم به جمعیت غیرفعال تعلق داشته است به طوری که سهم جمعیت غیرفعال در کشور و استان به ترتیب از ۴۵/۸ و ۴۴/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۵۲/۲ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.
- ۱۰- سهم جمعیت شاغلان با تحصیلات عالی کشور و استان در دوره پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ به ترتیب ۷/۵- و ۵/۲- درصد رشد داشته است اما در دوره پنج ساله ۹۵-۱۳۹۰ روند کاهشی آن شیب ملایم‌تری داشته است و به ترتیب رشدی معادل ۱/۶- و ۳/۴- درصد داشته است که ناشی از کاهش شیب افزایش سهم جمعیت غیرفعال بوده است.
- ۱۱- سهم بیکاران با تحصیلات عالی کشور و استان در دوره پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ به ترتیب ۱/۹ و ۱/۱ درصد افزایش یافته است ما در دوره پنج ساله ۹۵-۱۳۹۰ روند افزایشی آن با شیب ملایم تری ادامه داشته است و همچنین همانند دوره

پنج ساله اول، شیب افزایش جمعیت بیکاران استان نسبت به کشور کمتر بوده است. بر این اساس سهم این گروه در کشور و استان طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ به ترتیب ۱/۴ و ۰/۷ درصد رشد داشته است.

۱۲- طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی و بیکار استان نسبت به کشور همواره بیش‌تر بوده است اما قدرمطلق تفاضل سهم آن‌ها طی این مدت از ۳/۹ درصد به ۲/۴ درصد کاهش یافته است.

۱۳- آمارها حاکی از بیش‌تر بودن اختلاف سهم جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده با تحصیلات عالی در کشور و استان در بین زنان نسبت به مردان است. به‌نحوی که قدرمطلق تفاضل این سهم در کشور و استان در بین زنان به ترتیب ۳/۹، ۲/۷ و ۳/۶ درصد است اما در بین مردان به ترتیب ۰/۱، ۰ و ۰/۱ درصد بوده است که بیانگر آن است رواج ازدواج در بین زنان با تحصیلات عالی استان نسبت به زنان با تحصیلات عالی کشور و همچنین نسبت به مردان با تحصیلات عالی گیلان کمتر است. این مسئله منجر به بالا رفتن سن ازدواج دختران استان نسبت به کشور خواهد شد و اگر مورد توجه جدی قرار نگیرد موجب تشدید میزان تجرد قطعی دختران استان گیلان خواهد شد.

۱۴- طی دهه اخیر اختلاف‌های مربوط به جنسیت در خصوص شاخص‌های وضع زناشویی افراد دارای تحصیلات عالی کاهش یافته است به طوری که اختلاف سهم جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده مردان و زنان کشور و استان طی سرشماری‌های اخیر کاهش یافته است. بر این اساس قدرمطلق تفاضل سهم مردان و زنان حداقل یکبار ازدواج کرده با تحصیلات عالی در کشور به ترتیب ۷/۷، ۳/۲ و ۲ درصد و در استان به ترتیب ۱۲/۷، ۵/۹ و ۰/۱ درصد بوده است.

۱۵- از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۵ سهم مردان بی همسر بر اثر طلاق با تحصیلات عالی در کشور به ترتیب ۰/۵، ۰/۶ و ۱/۱ درصد و در استان به ترتیب ۰/۴، ۰/۵ و ۱/۱ درصد بوده است که تقریباً وضعیت مشابهی را نشان می‌دهد. اما در مقابل سهم زنان با تحصیلات عالی و بی همسر بر اثر طلاق نسبت به مردان بیش‌تر است به‌نحوی که این سهم طی سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ در کشور به ترتیب ۰/۹، ۱/۴ و ۲/۷ درصد و در استان به ترتیب ۰/۶، ۱/۱ و ۲/۵ درصد بوده است. طی این مدت سهم زنان با تحصیلات عالی و بی همسر بر اثر طلاق استان نسبت به متوسط کشور همواره کمتر بوده است.

۱۶- طی دهه اخیر، سهم جمعیت دارای همسر با تحصیلات عالی کشور و استان در بین مردان نسبت به زنان بیش‌تر بوده است اما طی این مدت سهم زنان در حال افزایش است. سهم جمعیت زنان دارای همسر با تحصیلات عالی در کشور به ترتیب ۴۶/۵، ۵۰/۱ و ۵۹/۳ درصد و در استان به ترتیب ۴۳/۱، ۴۷/۸ و ۵۵/۹ درصد بوده است که بیانگر فاصله‌ی سهم زنان دارای همسر با تحصیلات عالی استان نسبت به کشور است در حالی که این فاصله در بین مردان کمتر است.

۱۷- سهم مردان و زنان هرگز ازدواج نکرده با تحصیلات عالی در استان نسبت به کشور بیش‌تر بوده است این مسئله در بین زنان شدت بیش‌تری داشته است. طی سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ سهم مردان ازدواج نکرده با تحصیلات عالی

به ترتیب ۰/۲، ۰/۱ و ۱/۸ درصد از متوسط کشور بیش تر بوده است. در حالی که طی این مدت سهم زنان ازدواج نکرده با تحصیلات عالی به ترتیب ۴/۳، ۲/۸ و ۳/۶ درصد از متوسط کشور بیش تر بوده است.

۱۸- طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵، سهم زنان هرگز ازدواج نکرده با تحصیلات عالی در کشور و استان در مقایسه با مردان بیش تر بوده است اما در سال ۱۳۹۵ این سهم نسبت به مردان کمتر شده است. بر این اساس طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ سهم مردان هرگز ازدواج نکرده با تحصیلات عالی در کشور به ترتیب ۴۲/۳، ۴۴ و ۳۸/۸ درصد و در استان گیلان به ترتیب ۴۲/۵، ۴۴/۱ و ۴۰/۶ درصد است. همچنین در مدت مشابه سهم زنان هرگز ازدواج نکرده با تحصیلات عالی در کشور به ترتیب ۵۰/۶، ۴۷/۲ و ۳۶/۹ درصد و در استان به ترتیب ۵۴/۹، ۵۰ و ۴۰/۵ درصد بوده است.

۴. منابع

۱. بررسی وضعیت سواد و تحصیل جمعیت ۶ ساله و بیش تر بر اساس سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۹۵-۱۳۶۵ / دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری، گروه سرشماری. تهران، مرکز آمار ایران.
۲. نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۹۵-۱۳۸۵، مرکز آمار ایران

۵. پیوست

تعاریف، مفاهیم و شاخص‌ها

تعاریف و مفاهیم بکار رفته در این نشریه بر اساس تعاریف و مفاهیم استاندارد بین‌المللی و بکار رفته در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ می‌باشد.

باسواد

کسانی که می‌توانند به فارسی یا هر زبان دیگری متن ساده‌ای را بخوانند و بنویسند خواه مدرک رسمی داشته یا نداشته باشند، باسواد تلقی می‌شوند. همه محصلان از جمله نوآموزان سال اول ابتدایی و سوادآموزان نهضت سوادآموزی نیز باسواد به حساب می‌آیند.

در حال تحصیل

کسی "در حال تحصیل" تلقی می‌شود که طبق برنامه‌های رسمی آموزشی کشور جمهوری اسلامی ایران به تحصیل مشغول باشد. افرادی که در خارج از کشور به تحصیل اشتغال دارند و همچنین طلاب حوزه‌های علمیه و سوادآموزان نهضت سوادآموزی نیز، در حال تحصیل محسوب می‌شوند.

دوره یا مدرک تحصیلی

دوره یا مدرک تحصیلی برای افراد در حال تحصیل و افراد غیر محصل بر اساس سطوح، چارچوب‌ها و توصیه‌های طبقه‌بندی بین‌المللی سطوح آموزشی^۴ و انطباق آن با نظام آموزشی کشور در گذشته و حال، تنظیم شده است. مشروح مصادیق سطوح و دوره‌های تحصیلی در نشریه «طبقه‌بندی سطوح آموزشی و رشته‌های تحصیلی ایران بر اساس ۹۷-ISCED» موجود است.

وضع فعالیت

شاغل: فردی که مطابق با تعریف کار و مصادیق آن در ۷ روز گذشته حداقل یک ساعت کار کرده، هر چند در شغل معمولی خود کار نکرده باشد، شاغل محسوب می‌شود. منظور از کار، آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی (فکری یا بدنی) است که به منظور کسب درآمد (نقدی یا غیرنقدی) انجام شود و هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمت باشد.

علاوه بر این، افراد دارای شرایط زیر نیز شاغل به حساب می‌آیند:

- افرادی که دارای شغلی هستند ولی در ۷ روز گذشته حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند.
- افرادی که در فعالیت‌های کشاورزی برای خود کار میکنند و به دلیل فصلی بودن کارشان در ۷ روز گذشته کار نکرده‌اند.
- افرادی که به دلیل نوبتی بودن کارشان در ۷ روز گذشته سرکار خود نرفته‌اند.
- افرادی که از سازمان محل کار خود بورسیه تحصیلی گرفته‌اند و مشغول به تحصیل هستند و به این دلیل در ۷ روز گذشته کار نکرده‌اند.
- افرادی که به دلیل مرخصی، تعطیلات، بیماری و مسافرت و ... در ۷ روز گذشته سرکار خود نرفته‌اند.

⁴ International Standard Classification Of Education

- افرادی که به دلایلی نظیر تغییرات موقت سازمانی یا خرابی دستگاه‌ها و ماشین‌آلات، نداشتن مشتری یا سفارش کار به طور موق سرکار نرفته‌اند.
- افرادی که از کار خود معلق شده‌اند ولی پیوند رسمی شغلی دارند.

وضع زناشویی

دارای همسر: زنان یا مردانی که عقد کرده‌اند (دائم یا موقت)، حتی اگر زندگی مشترک را آغاز نکرده باشند، دارای همسر محسوب میشوند.

بی همسر به دلیل فوت همسر: زنان یا مردانی که همسرشان فوت کرده است و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده‌اند، بی همسر به دلیل فوت همسر شناخته می‌شوند.

بی همسر به دلیل طلاق: زنان یا مردانی که از همسر خود به دلیل طلاق جدا شده و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده‌اند، بی همسر به دلیل طلاق تلقی می‌شوند.

هرگز ازدواج نکرده: زنان یا مردانی که تا زمان سرشماری همسر اختیار نکرده‌اند، هرگز ازدواج نکرده شناخته می‌شوند. زنان یا مردانی که نامزد شده ولی هنوز عقد نکرده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.

فارغ التحصیل: فارغ التحصیل به فردی گفته می‌شود که آموزش‌های علمی و عملی مربوط به یک دوره آموزش رسمی را فرا گرفته و حائز شرایط دریافت گواهینامه آن دوره شناخته می‌شود.

شاخص‌های بکار رفته

نسبت باسوادی

این میزان در هر جامعه از تقسیم تعداد افراد باسواد در یک سن یا گروه سنی معین به جمعیت آن سن یا گروه سنی به دست می‌آید و معمولاً به صورت "درصد" بیان می‌شود.

سهام جمعیت

این شاخص از تقسیم جمعیت هر استان به کل جمعیت کشور و ضرب آن در عدد ۱۰۰ به دست می‌آید.

سهام جمعیت باسواد

این شاخص از تقسیم جمعیت باسواد هر استان به کل جمعیت باسواد و ضرب آن در عدد ۱۰۰ به دست می‌آید.

سهام جمعیت بی سواد

این شاخص از تقسیم جمعیت بی سواد هر استان به کل جمعیت بی سواد کشور و ضرب آن در عدد ۱۰۰ به دست می‌آید.

میزان شهرنشینی

این شاخص از نسبت تعداد جمعیت ساکن در نقاط شهری به جمعیت کل کشور به دست می‌آید.

میزان روستائینشی

این شاخص از نسبت تعداد جمعیت ساکن در نقاط روستایی به جمعیت کل کشور به دست می‌آید.



گیلان - رشت - خیابان ۱۵ خرداد - سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان

تلفن: ۱۶-۱۴-۳۳۶۶۴۰

<http://mpogl.ir>

<http://sdi.mpogl.ir>